



شماره چهاردهم

زمستان ۱۳۸۹

صفحات ۱۵۵-۱۳۱

واژگان کلیدی

عارف

نسخه‌شناسی

فیه مافیہ

مولوی

نسخه قونیه

## نگاهی به تصحیح فیه مافیہ براساس نسخه قونیه

دکتر بهمن نزهت\*

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه ارومیه

### چکیده

با توجه به این که در زمینه نسخ خطی آثار مولوی پژوهش‌ها، مطالب و یافته‌های علمی تازه‌ای از سوی محققان ارائه شده‌است، تصحیح و ویرایش مجدد کتاب فیه مافیہ برای تسهیل در خوانش و فهم این اثر ارزشمند، ضروری می‌نماید. در این پژوهش ضمن تبیین جایگاه کتاب فیه مافیہ در میان آثار منثور ادب فارسی و اهمیت آن در مطالعات عرفانی، به‌خصوص در مولانا‌شناسی، به معرفی و بررسی نسخه خطی فیه مافیہ در کتابخانه موزه مولانا در قونیه و نسخه چاپی آن خواهیم پرداخت که اخیراً به همت دکتر توفیق ه. سبحانی تصحیح شده و توسط انتشارات شرکت مطالعات و نشر کتاب پارسه منتشر شده‌است.

\*bahmannozhat@yahoo.com

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۰/۳/۲۳

نشانی پست الکترونیکی نویسنده:

تاریخ دریافت مقاله: ۸۹/۱۱/۱۰

## ۱- مقدمه

فیه مافیہ کتابی فراهم آمده از سخنان عارف بزرگ و انسان راستین، مولانا جلال‌الدین بلخی است. مولانا هنگام ملاقات با کسانی که به دیدنش می آمدند، یا زمانی که به دیدار کسانی می رفت، سخنانی می گفت و یا به سؤالات آنان پاسخ می داد و در اثنای سخنان خود به تفسیر آیات قرآن کریم و شرح احادیث می پرداخت. گفتارهای مولانا را چند تن از اطرافیان نزدیک او تحریر کرده اند و به احتمال قریب به یقین برای اصلاح و ویرایش به او عرض داده اند. به گواهی افلاکی در مناقب/العارفین گاهی یاران و مشتاقان مولانا «معارف و لطایف منظوم و منثور» او را در خانه حسام‌الدین چلبی یادداشت می کردند (افلاکی، ۱۳۶۲: ۱۶۳/۱). گویا این گفتارها پس از مولانا به صورت نسخه های پاکیزه و اصلاح شده در آمده و از سوی مریدان او تحت عنوان فیه مافیہ نام گذاری شده است. اما با توجه به روایات متعددی که از فیه مافیہ تا به امروز باقی مانده است، آنچه مسلم است، روایت نهایی فیه مافیہ را مولانا ندیده است، و احیاناً اگر دیده باشد، به دست ما نرسیده است.

از فحوای مطالب فیه مافیہ چنین استنباط می شود که تقریرات مولانا در این کتاب بعد از دیدار او با شمس تبریزی به نگارش در آمده است. این کتاب بیانگر تمام لحظات و آنات زندگی مولانا و تجارب عرفانی او بعد از دیدارش با شمس تبریزی<sup>(۱)</sup> (در حدود سال های ۴۵-۶۴۲) تا واپسین ایام زندگانی اوست. با توجه به تاریخ سرودن مثنوی (آغاز سرودن در حدود ۶۵۷) می توان بر آن بود که تقریرات مولانا در فیه مافیہ، اندکی پیشتر از مثنوی شکل گرفته و سپس پایه پای مثنوی (به احتمال تا سال ۶۷۰) تداوم یافته است.<sup>(۲)</sup> فیه مافیہ از لحاظ ساختار تجارب عرفانی و اسلوب بیان در میان دیگر آثار مشابه خود از جایگاه خاصی برخوردار است، به همین سبب داشتن متنی صحیح و جامع از آن برای آشنایی بیشتر با مولانا و اندیشه های والای عرفانی او ضروری می نماید.

## ۲- مرور اجمالی بر نسخه های خطی و چاپی فیه مافیہ

بنابه گفته استاد توفیق سبحانی (نک. ۱۳۸۸: چهارده) بیش از ۴۰ نسخه خطی از فیه مافیہ در فهرست کتابخانه های معتبر ایران و ترکیه ثبت شده است، اما بعضی نسخه های آن از دید فهرست نویسان دور مانده و به طور کامل معرفی نشده است.<sup>(۳)</sup> ماندانا صدیق بهزادی

در کتاب کتاب‌شناسی مولانا برخی از نسخه‌های کهن فیه مافیه را به اختصار معرفی نموده‌است:

۱- فیه مافیه من الحقایق و المعارف، مولانا جلال‌الدین رومی، نسخه محفوظ در کتابخانه سلیم‌آغا، خط نسخ، بدون نام کاتب و تاریخ کتابت، قطع ۲۱۵×۳۸۰ میلی‌متر.

۲- کتاب فیه مافیه، مولانا جلال‌الدین رومی، نسخه محفوظ در کتابخانه بایزید، خط نستعلیق، بدون نام کاتب و تاریخ کتابت، قطع ۲۴۶×۱۶۷ میلی‌متر.

۳- مولوی، جلال‌الدین محمدبن محمد ۶۰۴-۶۷۲ ق، فیه مافیه رومی (مرآه التصوف)، نام کاتب و تاریخ کتابت معلوم نیست.

۴- کتاب فیه مافیه مولوی، محفوظ در کتابخانه عاطف افندی، خط نسخ خوب، کاتب: علی‌بن الیاس المولوی الرومی، تاریخ کتابت: آخر صفر.

۵- فیه مافیه، مولانا جلال‌الدین رومی، محفوظ در کتابخانه سپهسالار، به خط نستعلیق، تاریخ کتابت: شعبان ۱۰۸۷.

۶- فیه مافیه جلال‌الدین رومی، محفوظ در کتابخانه دانشگاه استانبول، به خط رقاع ممتاز، کاتب: احمد حامد الشهیر سنطیف‌زاده، تاریخ کتابت: ذی‌القعدة ۱۲۳۱.

۷- فیه مافیه جلال‌الدین رومی، محفوظ در کتابخانه دانشگاه استانبول، به خط نسخ، کاتب: درویش ابراهیم علمی النقشبندی، تاریخ کتابت: ۱۲۶۱ ق.

۸- فیه مافیه جلال‌الدین رومی، محفوظ در کتابخانه دانشگاه استانبول، به خط نسخ، کاتب: قسطنون حافظ اوغلو خاٹ محمدبن محمد کامل افندی، تاریخ کتابت: ۱۲۶۸ ق.

۹- فیه مافیه، محفوظ در کتابخانه مجلس، به خط نسخ، کاتب: عزیز موسی الصفوتی، تاریخ کتابت: ۱۲۶۹ ق.

۱۰- مولوی، جلال‌الدین محمدبن محمد ۶۰۴-۶۷۲ ق، فیه مافیه. محفوظ در کتابخانه مجلس، به خط نستعلیق، بدون نام کاتب و تاریخ کتابت.

۱۱- فیه مافیه، محفوظ در کتابخانه ملی تبریز، به خط نستعلیق، کاتب: عبدالله تفرشی فرزند حاجی میرزا علی‌عسکر نوری، تاریخ کتابت: ۱۳۱۴ ق (صدیق بهزادی: ۱۳۸۰: ۵۹۰-۵۵۵).

فیه مافیه نخستین بار در هند، به سال ۱۹۲۸ میلادی، براساس هفت نسخه خطی چاپ شد که تاریخ کتابت کهن‌ترین نسخه آن ۱۱۰۵ هـ ق است. این اثر بار دوم به سال

۱۳۳۴ هـ ق با چاپ سنگی در تهران و با کتابت علی بن محمد جعفر گرگانی و مقدمه عبدالله حائری به چاپ رسید. سرانجام استاد بدیع الزمان فروزانفر آن را با تکیه بر هشت نسخه عکس برداری شده از روی نسخه های خطی موجود و با اصل قرار دادن نسخه خطی کتابخانه فاتح استانبول، به شماره ۲۷۶۰، به صورت علمی و انتقادی و همراه با توضیحات و حواشی در سال ۱۳۳۰ هـ ش چاپ کرد. فروزانفر در حین تصحیح کتاب به نسخه های خطی و چاپی زیر دسترسی داشته است:

۱- نسخه خطی کتابخانه فاتح استانبول به شماره ۲۷۶۰، مجموعه ای از کتاب *فیه مافیه* و معارف بهاء ولد، کتابت به سال ۷۱۶؛

۲- نسخه محفوظ در کتابخانه فاتح استانبول به شماره ۵۴۰۸، کتابت به سال ۷۵۱؛

۳- نسخه خطی محفوظ در کتابخانه سلیم آغای استانبول که تاریخ کتابت ندارد. این نسخه مجموعه ای است از معارف بهاء ولد، *مجالس سبعة* و *فیه مافیه مولانا*، معارف سلطان ولد، *مقالات سیدبرهان الدین ترمذی* و *مقالات شمس الدین تبریزی* (این نسخه در واقع نسخه شماره ۵۶۷ کتابخانه سلیم آغا در اسکدار استانبول است که گولپینارلی<sup>۱</sup> آن را به طور کامل معرفی کرده و تاریخ کتابت آن سال ۷۸۸ است. فروزانفر چون اصل نسخه مذکور را در دسترس نداشت، از عکس آن بهره برده و تاریخ کتابت آن را ندیده است)؛

۴- نسخه خطی محفوظ در کتابخانه ملی که تاریخ کتابت ندارد؛

۵- نسخه خطی تحت تملک خود فروزانفر، کتابت به سال ۸۸۸؛

۶- نسخه خطی متعلق به آقای دکتر مهدی بیانی؛

۷- نسخه چاپ هند به سال ۱۹۲۸ میلادی؛

۸- نسخه چاپ تهران در سال ۱۳۳۴ هجری قمری (مولوی، ۱۳۵۸: د-ی).

چاپ فروزانفر، اگرچه به سبب پاره ای از اشکالات جزئی ویرایشی برای نسل جدید دشوارخوان و دشوارفهم شده است، لیکن به سبب همت و دقت بی بدیل فروزانفر در تصحیح این اثر، هنوز اعتبار خود را در محافل علمی حفظ کرده است. با این همه به نظر می رسد که به دلیل یافته های علمی جدید در زمینه های نسخه شناسی و پژوهش های عرفانی، تجدید تصحیح و درحقیقت فراهم آوردن متنی منقح و صحیح از *فیه مافیه* جهت تسهیل در خوانش و فهم ظرایف و دقایق این اثر ارزشمند، ضروری می نماید.

گولپینارلی، محقق و مولاناشناس ترک، هنگام ترجمه علمی و موثق فیه مافیه، ضمن بررسی و مطالعه نسخه‌های خطی آن، نگاهی انتقادی نیز به تصحیح فروزانفر داشت. انتقادهای گولپینارلی بیشتر پیرامون مسائل نسخه‌شناختی بوده‌است. گولپینارلی در کتابخانه‌های ترکیه نسخه‌های دیگری از فیه مافیه را یافته بود که مشهورترین و جامع‌ترین آنها نسخه شماره ۲۱۱۱ موزه قونیه است (فروزانفر این نسخه را حین تصحیح فیه مافیه در دست نداشت). او بر آن است که نسخه شماره ۲۷۶۰ که اساس کار فروزانفر بود، اغلاط و نواقص فراوان دارد<sup>(۴)</sup> و فروزانفر با اشعار بر این امر، از این نسخه بیشترین بهره را برده‌است. او تأکید می‌کند که فروزانفر باید به شیوه التقاطی، ضبط صحیح را از نسخه‌های دیگر انتخاب و در متن اصلی قید می‌کرد.

با این که تاکنون محققان نسخه‌های مهم و قابل توجهی از فیه مافیه را شناسایی و معرفی کرده‌اند، نسخه شماره ۲۷۶۰ هنوز اقدم‌نسخ موجود است و شیوه فروزانفر در تصحیح فیه مافیه بر مبنای کهن‌ترین نسخه موجود بوده‌است. فروزانفر براساس اصول و ضوابط چنین شیوه‌ای، یعنی شیوه تصحیح براساس کهن‌ترین و اصیل‌ترین نسخ موجود، به هیچ وجه نمی‌توانسته‌است از متن نسخه اساس عدول کند، مگر در مواقعی که غلط بودن ضبط نسخه اساس محرز و مسلم بوده باشد. وی با اینکه برخی از ضبط‌های ضعیف و نامشهور نسخه اساس را در متن آورده و از آن عدول نکرده‌است، اما همه موارد سست و نامشهور و غلط را یک‌به‌یک در پاورقی توضیح داده و اختلاف دیگر نسخه‌ها را نیز به عنوان نسخه‌بدل ذکر نموده‌است.

گولپینارلی در ترجمه فیه مافیه، علاوه بر نقد و بررسی نسخه‌های مورد استفاده فروزانفر، از نسخه‌های دیگر نیز بهره گرفته‌است که در تجدید تصحیح علمی فیه مافیه می‌تواند بسیار مفید و مؤثر واقع شود. نسخه‌های مورد استفاده او عبارت‌اند از:

۱- نسخه کتابخانه فاتح، به شماره ۵۴۰۸ که به خط نسخ سلجوقی و در سال ۷۵۱ کتابت شده‌است.

۲- مجموعه‌ای به شماره ۵۶۷ در کتابخانه سلیم‌آغا، فیه مافیه در این مجموعه از صفحات ۹۹ب تا ۱۹۰ب را شامل می‌شود و به سال ۷۸۸ کتابت شده‌است.

۳- نسخه شماره ۱۶۱۴ از مجموعه کتاب‌های اسعد افندی در کتابخانه سلیمانیه که با خط نسخ دوره سلجوقی کتابت شده و نهایتاً متعلق به نیمه اول سده هفتم هجری است.

۴- نسخه موجود در مجموعه‌ای به شماره ۷۹ در موزه قونیه. این مجموعه در سال ۷۴۴ به کتابت درآمده است و گفتارهایی از معارف بهاء ولد، مجالس سبعه مولانا، مقالات سیدبرهان‌الدین ترمذی و مقالات شمس تبریزی در آن ثبت شده است، فیه مافیه در ورق‌های ۱۸ب تا ۶۲آ مندرج است. کاتب نسخه می‌نویسد که آن را از روی نسخه‌ای که مولانا به دست خط مبارک خود بر آن حواشی نوشته بود، کتابت کرده است.

۵- نسخه کتابخانه دانشکده زبان، تاریخ و جغرافیا در آنکارا به شماره ۲۸۶۸۲، مجموعه‌ای از فیه مافیه و خلاصه‌ای از مناقب‌العارفین افلاکی که به سال ۸۷۱ به کتابت درآمده است.

۶- نسخه‌ای که پیش از سال ۷۶۰ کتابت شده و متعلق به کتابخانه شخصی آقای عزت قویون اوغلو در شهر قونیه است.

۷- نسخه‌ای که در کتابخانه تاوشانلی است و گویا متعلق به قرن هشتم هجری است.  
۸- نسخه‌ای که در مجموعه‌ای به شماره ۲۱۱۱ در کتابخانه تخصصی موزه قونیه نگهداری می‌شود. تاریخ کتابت آن مشخص نیست. به نظر گولپینارلی این نسخه مهم‌ترین، معتبرترین و درست‌ترین نسخه موجود از فیه مافیه است. او در ترجمه فیه مافیه آن را اساس قرار داده و چاپ این نسخه با ارزش را در آینده برای مشتاقان مولانا وعده داده است (گولپینارلی، ۱۹۵۹: XV).

### ۳- نسخه موزه قونیه

این نسخه در مجموعه‌ای به شماره ۲۱۱۱ در کتابخانه تخصصی موزه قونیه نگهداری می‌شود. روی کتاب یادداشتی به عربی است که نشان می‌دهد کتاب در تاریخ ۱۰۳۱ هجری توسط مورخ احمدحسن بیگزاده (وفات ۱۶۲۵م) مطالعه شده است. ابعاد مجموعه ۱۷۰×۲۵۰ میلی‌متر و با جلد سلجوقی است. به غیر از صفحات اول و آخر، تمام صفحات دارای ۱۷ سطر هستند. اثر با خط نسخ بسیار زیبا و جلی و مشکول کتابت شده است. در برگ ۳آ، ظهر اول به خط ثلث جلی نوشته شده است: کتاب فیه مافیه. در همان صفحه ترنجی است که تذهیب درون آن پاک شده است و در کنار ترنج نشان مهر واقف نمایان است (تصویر شماره ۱). در برگ ۲آ (تصویر شماره ۲) نوشته زیر دیده می‌شود:

حکام و نواب و متصرفان و بتکجیان دارالنصر ارزنجان حرسها الله عن الآفات و الحدثان.

در زیر آن سمت چپ صفحه، زیر عبارتِ فوق، به خطی دیگر نوشته شده است:

کتاب فیه مافیہ                      لطیف فی معانیه  
فمن لم یرض مافیہ                    فبول الکلب فی فیه

همچنین در زیر آن سمت راست، این ابیات قید شده است:

جان من و جان ترا پیش از این                      سابقه‌ای بود که گشت آشنا  
الفت امروز از آن سابق است                      گرچه فراموش شد آنها ترا

در همان صفحه بعد از ابیات فوق عبارت زیر آمده است:

کتبه العبد الضعیف معین صدر مستنجدین ساتی بن الحسن المولوی عفا الله عنه فی غره  
ذی الحجّه لحدّ تسع عشر و ثمانمأة الهجریه (نک. تصویر شماره ۲).

بنابه نوشته گولپینارلی (همان) این مستنجد (وفات: ۸۱۹ هـ ق) همان کسی است که دیوان مولانا را اول محرم ۸۱۲ وقف درگاه مولانا کرده است. فیه مافیہ در این مجموعه از ابتدا تا انتها ۱۰۵ ورق دارد و در ورق ۱۰۵ آ به اتمام می‌رسد و تاریخ کتابت ندارد.

گولپینارلی ارزش این نسخه را تنها در جامع و خوش خط و خوش خوان بودن آن دانسته، و هیچ دلیل دیگری درباره اهمیت و رجحان آن نسبت به نسخه ۲۷۶۰ فاتح که به سال ۷۱۶ کتابت شده و اساس کار فروزانفر بوده، ارائه نداده است. با این که نسخه قونیه، نسخه‌ای جامع و خوش خط و خوش خوان است، باید توجه داشت که سرنوشت تاریخی آن به طور قطع مشخص نیست. شاید تاریخ کتابت آن را براساس تاریخی که در برگ ۲۲ نمایان است، بتوان در حدود اواخر قرن هشتم یا اوایل قرن نهم دانست (تصویر شماره ۲).

از تعدد نسخه‌های فیه مافیہ چنین برمی‌آید که این کتاب در طی قرون متمادی در محافل عرفانی و نزد اهل خانقاه رواج داشته و در حقیقت کتاب راهنمای مکتب مولوی بوده است، و بالطبع چنین کارکردی از اثر در میان اهل عرفان و نیز برخوردار کاتبان و نساخ با آن، منجر به روایات متعدّد و اختلاف نسخه‌های آن شده است. از آنجاکه این اثر یکی از نمونه‌های عالی متون منشور عرفانی است، اگر چاپی که شامل تمام روایات نزدیک به تقریرات خود مولانا باشد، فراهم گردد، برای شناخت اندیشه‌های ناب عرفانی و اسلوب بیان او بسیار مفید و مؤثر خواهد بود.

#### ۴- تصحیح مجدد فیه مافیہ براساس نسخه قونیه

تصحیح و ویرایش مجدد فیه مافیہ کوشش ثمربخش و عالمانه‌ای است که به سعی و اهتمام دکتر توفیق، ه. سبحانی صورت گرفته است: فیه مافیہ و پیوست‌های نویافته، مولانا جلال‌الدین محمد بلخی، تصحیح و توضیح دکتر توفیق ه. سبحانی، انتشارات شرکت مطالعات و نشر کتاب پارسه، تهران، ۱۳۸۸، ۴۶۸ (۲۴+۲۶۵+۲۰۲) صفحه.

کتاب با تقدیم به سه استاد بزرگ در عرصه مولاناشناسی، یعنی بدیع‌الزمان فروزانفر، عبدالباقی گولپینارلی و آرتور جان آربری آغاز می‌شود و شامل پیشگفتاری موجز از صفحه نه تا بیست و چهار است. متن کتاب فیه مافیہ از صفحه ۱ تا ۲۶۵ است و از صفحه ۲۳۱ تا ۲۶۰ پیوست‌های نویافته مصحح و از صفحه ۲۶۱ تا ۲۶۵ ملحقات را شامل می‌شود. تعلیقات مصحح از صفحه ۲۶۶ تا ۳۸۷ و تعلیقات پیوست‌های نویافته از صفحه ۳۸۸ تا ۴۰۸ آمده است. از صفحه ۴۰۹ تا ۴۴۴ شامل فهرست آیات، احادیث، امثال، سخن بزرگان و عبارات عربی، اشعار عربی، اشعار فارسی، لغات و ترکیبات، اشخاص، جای‌ها و کتابنامه است. مصحح نسخه شماره ۲۱۱۱ کتابخانه موزه مولانا را نسخه اساس قرار داده و در کنار آن از نسخه‌های زیر بهره برده است:

۱- نسخه شماره ۷۹ موزه مولانا در قونیه؛

۲- نسخه شماره ۲۷۶۰ کتابخانه فاتح در استانبول؛

۳- ترجمه مرحوم استاد عبدالباقی از فیه مافیہ براساس نسخه شماره ۲۱۱۱؛

۴- ترجمه آربری از فیه مافیہ؛

۵- فیه مافیہ چاپ سال ۱۳۱۸ شیراز، متعلق به کتابخانه دکتر شفیعی کدکنی.

بنابه گزارش مصحح در پیشگفتار، نشر پارسه متنی حروف‌نگاری شده از نسخه تصحیح فروزانفر را به مصحح می‌دهد و تصحیح و چاپ مجدد آن را به او پیشنهاد می‌کند و وی علی‌رغم میل باطنی، آن پیشنهاد را می‌پذیرد. اما آنچه انگیزه او را تقویت کرده اضافاتی است که نسخه شماره ۷۹ کتابخانه موزه مولانا نسبت به تصحیح فروزانفر دارد. مصحح اضافاتی را که براساس نسخه شماره ۷۹ آورده است، «پیوست‌های نویافته» نامیده و با کمال فروتنی درباب تصحیح فروزانفر این‌گونه گفته است:



[مصحح] هرگز به صرافت عرضه فیه مافیه نیفتاده بود، چون معتقد بود و هست که استاد فروزانفر در آن کتاب نیز، همانند دیگر آثارش، کار را تمام کرده است. با آنکه می دانست نسخه ۷۹ از فیه مافیه اضافاتی بر تصحیح استاد فروزانفر دارد که در اینجا آن اضافات را پیوست‌های نویافته نامیده است، باز علاقه‌ای به تصحیح و انتشار آن احساس نمی‌کرد (پیشگفتار: نوزده و بیست).

مصحح تمام فصول عربی فیه مافیه را به فارسی روان و ساده امروزی ترجمه کرده است و گاهی در تعلیقات نظریه‌های مولانا را در فیه مافیه با مثنوی و دیگر آثارش سنجدیده و جهت تبیین مسأله و فهم سخن مولانا، از دیگر آثار او شاهد مثال‌های درخوری آورده است.

در حین مطالعه این چاپ، نکات و پیشنهادهایی به نظر اینجانب رسید که در زیر به برخی از آنها از باب استحسان اشاره می‌کنم:

- آنچه در ابتدای امر در این تصحیح جلب توجه می‌کند، فقدان مباحث نسخه‌شناسی و نقد و بررسی دقیق نسخه‌های خطی کتاب فیه مافیه است. با اینکه مصحح در پیشگفتار از فصول معین، سال تدوین و عنوان اصلی کتاب به اختصار بحث می‌کند، اما هیچ بحث علمی و انتقادی در باب نسخه‌های موجود کتاب فیه مافیه ارائه نمی‌نماید. او اذعان می‌کند که ۴۰ نسخه خطی از فیه مافیه در فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه‌ها موجود است، اما هیچ نکته تازه‌ای در باب نسخه‌های اصلی فیه مافیه ارائه نداده و تنها به معرفی نسخه شماره ۲۱۱۱ کتابخانه موزه مولانا و بازگویی دیدگاه‌های گولپینارلی در باب آن اکتفا کرده است. اصول و قواعد تصحیح متون چنین ایجاب می‌کند که مصحح از اقدام نسخ که کم‌حجم و ناقص‌اند، بیشترین بهره را ببرد، اما دکتر سبحانی بیشترین بهره را از نسخه‌ای برده که در حدود یک قرن بعد از وفات مولانا به کتابت درآمده است.

با توجه به تاریخ کتابتی که در انجامه (ترقیمه) نسخه ۲۷۶۰ مندرج است و از سوی محققان تأیید شده است، این نسخه از لحاظ اعتبار تاریخی و صحت و اصالت نسبت به نسخه ۲۱۱۱ ممتاز است و به همین سبب احتمال ورود اقوال دیگران و به خصوص تغییرات و افزوده‌های ذوقی کاتبان به نسخه ۲۱۱۱ بیشتر است و چه بسا عنوان «پیوست‌های نویافته» - که مصحح براساس نسخه شماره ۷۹ موزه قونیه، به تصحیح خود راه داده است - از همین نوع الحاقات و اضافات کاتبان باشد. چنان که برخی از

گفتارها و قطعه‌های مختصر که در نسخه شماره ۷۹ قونیه مندرج است، و بنابه گفته کاتب نسخه، مولانا آنها را به خط خود در حواشی کتاب‌ها نوشته‌است<sup>(۵)</sup>، از آن مولانا نیست، بلکه متعلق به برخی از مشایخ بزرگ صوفیه است که مولوی آنها را در حواشی کتب یادداشت می‌نموده است. به‌عنوان مثال در صفحه ۲۵۱، این گفتار به مولانا نسبت داده شده‌است:

خواص را سماع حلال است، زیرا دل سلیم آن است. الحبُّ فی اللهِ وَ البُغْضُ فی الله در دل سلیم باشد. اگر دشنام من به کافر صدساله رسد مؤمن شود و اگر به مؤمن رسد ولی شود.

حال آن‌که این سخنان از شمس تبریزی است و صورت کامل آن در مقالات او چنین است:

خواص را سماع حلال است زیرا دل سلیم دارند. الحبُّ فی اللهِ وَ البُغْضُ فی الله در دل سلیم باشد. اگر دشنام من به کافر صدساله رسد مؤمن شود اگر به مؤمن رسد ولی شود، به بهشت رود عاقبت. تو واقعه دیدی، در خوابت گفتم که چون سینه ما به سینه او رسید او را این مقام شد، او را بسیار واقعه‌ها در پیش است، عاقبت مسلمان رود سلامت رود (تبریزی، ۱۳۶۹: ۷۸).

• در صفحه ۲۴۴ از چاپ سبحانی سخن زیر از مولوی آمده‌است:

شیخ از دنیا چنان گریزد که موشی از گربه. شیخ چیست؟ هستی. مرید چیست؟ نیستی. تا مرید نیست نشود مرید نباشد.

بخش دوم سخن فوق نیز دقیقاً گفتار شمس در مقالات را فرا یاد می‌آورد:

شیخ چیست؟ هستی. مرید چیست؟ نیستی. تا مرید نیست نشود مرید نباشد (تبریزی، ۱۳۶۹: ۷۳۹).

• در صفحات ۲۴۹ تا ۲۵۳، تفاسیر پراکنده‌ای از آیات قرآن کریم آمده‌است که با اسلوب بیان مولانا هیچ تناسبی ندارد. به نظر می‌رسد که این تفاسیر برگرفته از کتاب *حقایق التفسیر ابوعبدالرحمن سلمی* (وفات: ۴۱۲) است و مولانا اقوالی را از آن نقل کرده است<sup>(۶)</sup>. مثلاً در صفحه ۲۵۰ و ۲۵۱ تفسیر برخی از آیات سوره عنکبوت آمده‌است که در *حقایق التفسیر* به برخی از مشایخ بزرگ صوفیه منسوب است:

• الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ (عنکبوت: ۲۹/۴۲) إِذَا تَحَقَّقَ فِي أَوَّلِ الصَّبْرِ وَ سَتَكْمَلُ لَهُ مَقَامُهُ آدَاهُ صَبْرُهُ إِلَى الشُّكْرِ الصَّبْرُ مَقَامٌ مَعَ الْبَلَاءِ كَالْمَقَامِ مَعَ الْعَافِيَةِ أَوْ تَلْقَى الْبَلَاءَ بِالرَّحْبِ وَ الدَّعَةِ أَوْ اضْطِرَابٍ بِلَا سَكُونٍ وَ سَكُونٌ بِلَا اضْطِرَابٍ.

حقایق التفسیر: «قال محمد بن علی: للصبر أولٌ فإذا تحقّق في أول الصبر و استكمل له مقامه اذاه صبره الى الشكر و الى الرضا. قال ابو بكر وراق: الصبر تلقى البلاء الرحب و الدعاه. سئل ابوسعید الخراز عن التوكّل فقال: هو اضطراب بلاسكون و سكون بلا اضطراب» (سلمی، ۲۰۰۱: ۲ / ۱۱۹).

• الصلّاه تنهى عن الفحشاء (عنكبوت ۲۹ / ۴۵) «فاذا قُمتَ اليها قُمتَ كأنك مُذنبٌ فترفعُ الحجابُ أو تذهبُ بعقابِ الفحشاءِ و لذكرُ الله أكبرُ أن يبقى على صاحبه عقابُ الفحشاءِ و أن يبقى على ذكره شيءٌ سوى مذكوره».

حقایق التفسیر: «قال بعضهم: فاذا قُمتَ اليها قُمتَ كأنك مُذنبٌ فترفعُ الحجابُ فتقول الله أكبرُ بعقابِ الفحشاءِ و نياتِ المنكر» (سلمی، ۲۰۰۱: ۲ / ۱۱۷).

• و ما كنتَ تتلوا من قبله من كتابٍ (عنكبوت ۲۹ / ۴۸) «لم تَدنسِ بمرسومٍ و لم يرجعِ الى معلومٍ و حده خالياً عن الاغيارِ بل هو آياتٌ بيّناتٌ في صدور الذين اوتوا العلمَ علومَ الدرايه جعلَ و عاها صدور العلماء الربانيين و آياتٌ ظاهره عليهم و انوارها مشرقه فيهم و لذكرُ الله أكبرُ من ذكرِك لان ذكره بلاعله و لا استجلاب نفع ذكره لكم اطلق اسنتكم ذكره أكبرُ من أن تحويه افهامكم الذكر طرد الغفله و الا ممازجه ذكره و هو أكبرُ من أن يلحقه أو يدينه اشاره، الاشارة يطلبه الاثر و الاثر يطلبه الحين».

حقایق التفسیر: «قال ابوسعید خراز في هذه الآيه: ابیدت عنه الرسوم و اشكال الطبايع لما فيه من تدبير المحبه و الاختصاص بخصايص القربه فلم يَدنسِ بمرسومٍ و لم يرجع الى معلوم لذلك لما بدهه الحق اثر فيه حيث وجده خالياً عن الاغيار. قال ابو بكر [وراق]: علومُ الدرايه جعلَ و عاها صدور العلماء الربانيين و آياتٌ ظاهره عليهم و انوارها مشرقه فيهم. قال ابن عطاء: ذكر الله أكبر من ذكركم له لان ذكره بلاعله و ذكركم مشوبٌ بالعلل و الامانى و السؤال. قال القاسم: ذكر الله أكبر من أن تحويه افهامكم و عقولكم، حقيقه الذكر طرد الغفله فما وجه الذكر لانه أكبرُ من أن يلحقه ذكر او يدينه اشاره لان الاشاره يطلبها الأين و الأين يلحقها الحين» (سلمی، ۲۰۰۱: ۲ / ۱۱۷-۱۱۸).

• و الذين جاهدوا فينا لنهدينهم سُبُلنا و ان الله لَمَعَ المُحسِنينَ (عنكبوت ۲۹ / ۶۹): «قوله جاهدوا فينا في رضانا لنهدينهم الى الوصول، الى محلّ الرضوان، أو جاهدوا في التوبه

نَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَ الْاِخْلَاصِ. مَنْ لَمْ يَكُنْ اَوَّلِ اِحْوَالِهِ الْمَجَاهِدَةَ حَطَّةُ الْبُعْدِ مِنْ حَيْثُ يَأْمَلُ الْقُرْبَ».

حقایق التفسیر: «قال ابن عطاء رحمه الله عليه: جاهدوا فينا في رضانا لنهدينهم الى الوصول، الى محل الرضوان. و سُئِلَ الْجَنِيْدُ عَنْ هَذِهِ الْاَيَّةِ فَقَالَ: وَ الَّذِينَ جَاهَدُوا فِي التَّوْبَةِ لِنَهْدِيَنَّهُمْ سَبُلَ الْاِخْلَاصِ. قَالَ النَّهْرَجُورِيُّ: مَنْ لَمْ يَكُنْ اَوَّلِ اِحْوَالِهِ الْمَجَاهِدَةَ كَانَتْ اِيَامُهُ وَ اَوْقَاتُهُ مَوْصُولَةً بِالتَّوَانِي وَ الْاِمَانِي وَ يَكُونُ حَطَّةً الْبُعْدِ مِنْ حَيْثُ تَأْمَلُ الْقُرْبَ» (سلمی، ۲۰۰۱، ۲/ ۱۲۰-۱۲۱).

• وَ كَأَيِّنْ مِنْ دَابَّةٍ لَاتَحْمِلُ رِزْقَهَا (عنكبوت ۱۲۹/ ۶۰): «لَاتَدَخَّرُ شَيْئاً وَ لَاتَجْرَعُوا عَنْ التَّوَكُّلِ فَإِنَّهُ عَيْشٌ لِأَهْلِهِ يَرْزُقُهَا بِالتَّوَكُّلِ وَ يَرْزُقُكُمْ بِالطَّلَبِ أَرْزَاقُ الْمُتَوَكِّلِينَ عَلَى اللَّهِ يَجْزِي بِعِلْمِ اللَّهِ بِالشَّغْلِ وَ لَاتَعَبٍ وَ غَيْرُهُمْ فِيهِ مَشْغُولٌ وَ مَتْعُوبٌ».

حقایق التفسیر: «لاتدخر شيئاً لعد. سمعت ابایعقوب نهرجوری يقول: لاتجزعوا من التوكل فإنه عيش لاهله. قال ابن عطاء: يرزقها بالتوكل و يرزقكم بالطلب. سمعت ابایعقوب نهرجوری يقول: ارزاق المتوكلين على الله تجرى بعلم الله بلاشغل و غيرهم فيه مشغول و متعوب» (سلمی، ۲۰۰۱، ۲/ ۱۲۰).

همچنین یک بخش طولانی از ملحقات فيه مافیه در چاپ فروزانفر که از نسخه سلیم آغا نقل شده است، متعلق به برهان الدین محقق ترمذی است (مولوی، ۱۳۵۸: ۳۸۶-۳۸۲). این بخش، تفسیری از سوره «فتح» است که با «أَنَا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحاً مُبِيناً فَرُو شِمْرَدَ نِعْمَتِهَا وَ وَعَدَهَا بِرِ مَصْطَفَى...» آغاز می شود و در معارف برهان الدین نیز آمده است (محقق ترمذی، ۱۳۷۷: ۹۶-۱۰۴)، منتها فروزانفر در حین تصحیح متوجه این آمیختگی<sup>(۷)</sup> نشده و سبحانی نیز فصل مذکور را به عنوان ملحقات فيه مافیه آورده است (مولوی، ۱۳۸۸: ۲۶۵-۲۶۱). برای اثبات انتساب این گفتارها به مولانا باید ابتدا براساس مسائل نسخه شناسی تکلیف روایات متعدد و مختلف از فيه مافیه روشن شود و سپس شاید به شیوه تصحیح انتقادی براساس اقدم نسخ، بتوان نسخه ای تقریباً منقح و نزدیک به اصل تقریرات مولانا که عاری از اضافات و الحاقات باشد، فراهم نمود.

• از فحوی گفتارهای مصحح چنین برمی آید که شیوه تصحیح ایشان برپایه نسخه اساس بوده است: «کتاب حاضر براساس نسخه ۲۱۱۱ کتابخانه موزه مولانا در قونیه تهیه

شده‌است» (ص ۱۵)؛ لیکن او بدون اینکه صراحتاً به روش تصحیح خود اشاره‌ای داشته باشد، گویا به شیوه نسبتاً التقاطی عمل کرده‌است، اما در این شیوه او نیز ابهاماتی هست. به‌طور کلی با توجه به اصول و شیوه‌های علمی تصحیح متون، می‌توان شیوه او را به تصحیح آزادی تعبیر کرد که سعی کرده‌است براساس ذوق و سلیقه خود نسخه‌ای را ارائه دهد که نزدیک به روایت نهایی و اصل اثر باشد.

در تصحیح علمی و انتقادی متون کهن نسخه‌بدل‌ها از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای برخوردارند و چه‌بسا مهم‌ترین و مبهم‌ترین بخش متن به‌وسیله همین نسخه‌بدل‌ها تفهیم و تشریح می‌گردد، اما مصحح به ضبط نسخه‌بدل‌ها توجه نداشته و به هیچ نسخه‌بدلی اشاره نکرده‌است.

گاهی مصحح برخی از عبارات و واژه‌ها را بدون هیچ دلیلی تغییر داده و از نسخه اساس عدول کرده‌است. همچنین او برخی از افزوده‌ها و تغییرات یقینی و سلیقه‌ای خود را میان دو قلاب [] قرار داده و به ضبط نسخه‌های دیگر توجهی ننموده‌است. در ادامه به برخی از این موارد اشاره می‌شود:

- صفحه ۳، سطر ۲: «ما را از این مهلکه در آن گلشن [و] مامن چرا می‌بری؟» نسخه اساس یا همان نسخه ۲۱۱۱ قونیه، «و» ندارد و به‌صورت «گلشن مامن» ثبت شده‌است. در چاپ فروزانفر «گلشن و مامن» و در نسخه بدل آن «گلشن مامن» آمده‌است.

- صفحه ۴، سطر ۴: «بگویم که مال به مکه چه قدر داری و کجا پنهان کرده‌ای و به که سپرده‌ای؟» نسخه اساس عبارت «به مکه» را ندارد. چاپ فروزانفر و نسخه‌بدل‌های آن نیز این عبارت را ندارند. مصحح این عبارت افزوده را با هیچ نشانه‌ای مشخص ننموده و نیز معلوم نیست که آن را از کجا نقل کرده‌است.

- صفحه ۴، سطر ۱۳: «این بار شنیدم که آن تار شک که در باطن داشتی بگسست و آواز آن به گوش من رسید. مرا گوشی است نهان در عین جان که هرکه زتار شکت و کفر را پاره کند من به گوش نهان بشنوم و آواز آن بریدن به گوش جان من برسد.»

ترکیب «تار شک» که در نسخه اساس نیز چنین است، از لحاظ معنا و مفهوم بلاغی، نارساست. احتمالاً این ضبط خطای کاتب است و ضبط صحیح باید «زتار شک» باشد،

چنان‌که در سطر بعد عین عبارت تشبیهی به صورت «زنار شکّ و کفر» تکرار شده است. در چاپ فروزانفر و نسخه بدل‌های آن نیز «زنار شک» آمده است.

• صفحه ۴، سطر ۱۸: «عقل و تدبیر و رای خود را برای بقای اسلام و کثرت [اهل] اسلام فدا کنم تا اسلام بماند».

نسخه اساس واژه «اهل» را ندارد. چاپ فروزانفر واژه «اهل» را دارد، اما نسخه بدل‌های آن واژه «اهل» را ندارند. مشخص نیست مصحح این واژه افزوده را از کجا نقل کرده است.

• صفحه ۴، سطر ۲۰: «تو با تاتار یکی شده‌ای و یاری می‌دهی تا شامیان را و مصریان را فنا کنی...». در نسخه اساس بالای «مصریان» با قلمی دیگر و به خطی نو «را» افزوده شده است، اما مصحح بدون این‌که به این نکته اشاره‌ای کند، آن را در متن آورده است.

• صفحه ۵، سطر ۸: «پیغامبر با آن چنان نظر تیز منور و منور فریاد نکردی که آرنی الاشیاء کما هی...». در نسخه اساس به صورت «نظر تیز منور منور» است.

• صفحه ۶، سطر ۶: «آدمی را با آدمی آن جزو مناسب جذب می‌کند نه سخن، بلکه اگر صد هزار معجزه و کرامات ببینند چون در او از آن نبی و ولی جزوی نباشد سود ندارد».

در نسخه اساس فعل «ببینند» به صورت جمع، «بینند»، آمده است که ظاهراً خطای کاتب است. در نسخه اساس فروزانفر نیز «بینند» است، اما مصحح بدون این‌که اشاره‌ای به نسخه فروزانفر نماید، به متن اساس دست برده و آن را تغییر داده است.

• صفحه ۱۴، سطر ۱۷: «و اگر نجوم است احوال فلک و تأثیر آن در زمین، [از] ارزانی و گرانی، امن و خوف هم تعلق به احوال تو دارد و برای توست».

نسخه اساس مصحح واژه «از» را ندارد. چاپ فروزانفر و نسخه بدل‌های آن نیز واژه «از» را ندارند. جمله بدون «از» نیز مفید معنا تواند بود و به افزوده مصحح نیازی نیست.

• صفحه ۱۵، سطرهای ۱ و ۲: «آخر این تن اسب توست و این عالم آخور اوست و غذای اسب غذای سوار نباشد».

در نسخه اساس واژه‌های «اسب و آخور» به صورت «اسب و آخر» کتابت شده و مصحح به این شیوه کتابت هیچ اشاره‌ای نکرده است.

• صفحه ۱۷، سطر ۱۵: «درویشی به نزد پادشاهی رفت».

در نسخهٔ اساس «درویشی نزد پادشاهی رفت» آمده‌است. مصحح واژهٔ «به» را بدون هیچ نشانه‌ای به متن افزوده و مشخص نیست آن را از کجا نقل کرده‌است.

• صفحهٔ ۲۱، سطر ۳: «اصل یکی است. هم‌چنان که طرق مشایخ اگرچه به صورت گوناگون است و ...». در نسخهٔ اساس عبارت «هم‌چنان که طرق» به صورت «همچنان طرق...» آمده‌است. مصحح واژهٔ «که» را بدون هیچ نشانه‌ای به متن افزوده و مشخص نیست که از کجا نقل کرده‌است.

• صفحهٔ ۲۳، سطر ۱۸: «هَذَا كَفَّ مُعَوِّدًا بِأَنْ يُعْطِيَ...». در نسخهٔ اساس به صورت «هَذَا كَفَّ مُعَوِّدًا أَنْ يُعْطِيَ...» است. در چاپ فروزانفر به صورت «بِأَنْ يُعْطِيَ» ثبت شده‌است. در نسخهٔ فاتح استانبول «أَنْ يُعْطِيَ» است. مصحح عبارت «أَنْ يُعْطِيَ» را به «بِأَنْ يُعْطِيَ» تغییر داده و هیچ اشاره‌ای به چاپ فروزانفر و دیگر نسخ نهموده‌است.

شایان ذکر است که فعل «عَوَّدَ» ذاتاً از افعال متعددی دو مفعولی است: عَوَّدَ كَلْبَهُ الصَّيْدَ فَتَعَوَّدَهُ (ابن‌منظور: ۱۴۰۸: ۹/ ۴۹۸) و اسم مفعول چنین افعالی در تعدیه به مفعول دوم، به حرف جر «بِ» نیاز ندارد. استاد فروزانفر (۱۳۵۸: ۲۵۹) در توضیح همین مطلب می‌نویسد: «چون عَوَّدَ متعدی به مفعولین است، پس اسم مفعول آن در تعدیه به مفعول ثانی، محتاج بـِ تعدیه نیست و این عبارت بنابر مقدمات مذکوره باید این‌طور می‌بود: هذه كَفَّ مَعُوْدَةً أَنْ تُعْطِيَ مَا هِيَ مَعُوْدَةٌ أَنْ تَأْخُذَ». بنابر این دلایل نحوی، ضبط نسخهٔ اساس مصحح، «أَنْ يُعْطِيَ»، درست می‌نماید.

• صفحهٔ ۳۵، سطر ۶: «می‌بینی در این عالم که با شخصی دوست شده‌ای] و جانانه و در نظر تو یوسفی است».

در نسخهٔ اساس به صورت «دوست شده و جانانه...» آمده‌است. در چاپ فروزانفر به صورت «دوست شده‌ای و جانانه...» است که درست می‌نماید. اما مصحح در این باب هیچ اشاره‌ای به چاپ فروزانفر و نسخهٔ اساس او نکرده‌است.

• صفحهٔ ۴۶، سطر ۱۵: «چون امیری می‌آید، مولانا عظیم سخن‌های عالی می‌فرماید». در نسخهٔ اساس «چون امیری می‌داند» است. مصحح آن را بدون استناد به هیچ منبع یا نسخه‌ای به «چون امیری می‌آید» تغییر داده‌است. در نسخهٔ اساس فروزانفر نیز

به صورت «چون امیر می‌داند» است و فروزانفر آن را براساس نسخه فاتح استانبول به «چون امیر می‌آید» تغییر داده‌است.

• صفحه ۴۹، سطر ۹: «همچنان که موسی را چون مطیع بودند در دریا راه‌ها پیدا می‌شد و گرد از دریا برمی‌آوردند و می‌گذشتند».

در نسخه اساس «پیدا می‌شود» است که ظاهراً خطای کاتب است. در چاپ فروزانفر «پیدا شد» و در نسخه فاتح استانبول «پیدا می‌شد» است. گویا مصحح متن اساس را مطابق با نسخه فاتح تغییر داده‌است، اما هیچ اشاره‌ای به آن نسخه نکرده‌است.

• صفحه ۶۳، سطر ۴: «جواب فرمود یعنی این پرسش‌ها و خدمت‌ها و بندگی‌ها و مراعات‌ها از ما نیاید».

در نسخه اساس به صورت «مراعات‌ها» آمده‌است. نسخه اساس فروزانفر «مراعات‌ها» و نسخه فاتح «مراعات‌ها» است. گویا مصحح ضبط فروزانفر را برگزیده اما اشاره‌ای بدان ننموده‌است.

• صفحه ۷۳، سطر ۲۲: «آنها که عاشق زرد و عاشق دُرِّد، نظرشان بر پشت آینه است و ایشان که عاشق آینه‌اند، نظرشان بر دُر و زر نیست، پیوسته روی به آینه آورده‌اند و آینه را برای آینگی‌اش دوست می‌دارند... اما آن کس که روی زشت و معیوب دارد در آینه زشتی می‌بیند، زود آینه را می‌گرداند و طالب آن جواهر می‌شود».

در نسخه اساس «می‌شوند» است. در چاپ فروزانفر «می‌شوند» و در نسخه فاتح «می‌شود» است. مصحح ضبط نسخه فاتح را برگزیده‌است. جمله با «می‌شوند» نیز مفید معنی تواند بود و این در صورتی است که فاعل جمله را افرادی بدانیم «که عاشق زرد و عاشق دُرِّد و نظرشان بر پشت آینه است».

• صفحه ۸۰، سطر ۱۶: «مثلاً نانی را بگیر، زیر بغل کن و از مردم منع کن و می‌گو که این کس را البته نخواهم دادن، چه جای دادن که نخواهم نمودن. اگرچه آن نان بر درها افتاده‌است و سگان نمی‌خورند...».

در نسخه اساس به صورت «پردها افتاده‌است» که ظاهراً تصحیف کاتب است. در نسخه اساس فروزانفر به صورت «بر درها افتاده‌است» آمده و مصحح ضبط آن نسخه را اختیار کرده‌است.



• صفحه ۱۰۱، سطر ۲: «آب چه داند که او را به کدام دشت میراب روان کرده‌است». در نسخه‌ی اساس به صورت «به کدام دست» است. در نسخه اساس فروزانفر، «به کدام دشت» است. مصحح ضبط فروزانفر را اختیار کرده‌است که صحیح می‌نماید.

• صفحه ۱۰۹، سطر ۱۰: «این نعمت الهی که حکمت است نعمتی است زنده تا اشتها داری و رغبت تمام می‌نمایی سوی تو می‌آید و غذای تو می‌شود و چون اشتها و میل نماند او را به‌زور نتوانی خوردن». در نسخه‌ی اساس «چون اشتها و میل نماند» است. در چاپ فروزانفر به صورت «چون اشتها و میل نماند» است. گویا مصحح متن اساس خود را مطابق با چاپ فروزانفر تغییر داده‌است که درست می‌نماید.

• در هر فصلی از فصول فیه مافیہ، مولانا جهان‌بینی خاص عرفانی خود را در اثنای عبارات و جمله‌های کوتاه و به‌ظاهر گسسته از هم، تشریح و تبیین نموده‌است. در حین مطالعه و بررسی کتاب انتظار می‌رود که موضوع اساسی هر فصل از میان گفتارهای فرعی مشخص گردد و در بخش توضیحات به تبیین آن پرداخته شود. اما به نظر می‌رسد که در بخش تعلیقات و توضیحات به این موضوع کم‌توجهی شده‌است.

در آغاز فصل ۲، صفحه ۶، هنگامی که مولانا از جذابیت، تأثیر و گرمی و گیرایی سخن خود صحبت می‌کند، مصحح در تعلیقات به مسأله جذب و کشش از دیدگاه مولانا اشاره کرده‌است (ص ۲۶۹)، لیکن این مسأله، موضوع اصلی فصل نیست، مولانا در این فصل با تمهیدی می‌خواهد دیدگاه عرفانی خود را در باب «خیال و حقیقت» بیان کند. عوالم خیال مولانا دارای وجوه و معانی خاصی است که در مثنوی نیز به تفصیل آمده‌است. به نظر می‌رسد اگر مصحح در تعلیقات خود به این امر توجه می‌کرد، برای خوانندگان بسیار مفید واقع می‌شد.

از دیدگاه مولانا خیال بخشی از سلسله مراتب عالم هستی است که خداوند آن را خلق کرده‌است. خیال را صورت ظاهر و باطنی است. عامه مردم بیشتر خود را به بُعد ظاهری خیال مشغول کرده‌اند، اما انسان‌های جان‌آگاه به فراسوی خیال راه یافته، بعد حقیقی خیال و حقیقت امور این جهانی را به عیان می‌بینند. مولانا به این موضوع در فیه مافیہ با دقت نظر خاصی اشاره کرده و در مثنوی نیز آن را تفسیر کرده‌است:

عالم بر خیال قائم است و این عالم را حقیقت می‌گویی جهت آنکه در نظر می‌آید و محسوس است و آن معانی را که عالم فرع اوست خیال می‌گویی. کار به عکس است: خیال خود این عالم است که آن معنی صد چو این پدید آرد و ببوسد و خراب شود و نیست گردد و باز عالم نو پدید آرد (مولوی، ۱۳۵۸: ۱۲۰).

ای خدا جان را تو بنما آن مقام	که درو بی‌حرف می‌روید کلام
تا که سازد جان پاک از سر قدم	سوی عرصه دورپهنای عدم
عرصه بس باگشاد و بافضا	وین خیال و هست یابد زو نوا
تنگ‌تر آمد خیالات از عدم	ز آن سبب باشد خیال اسباب غم
باز هستی تنگ‌تر بود از خیال	ز آن شود دوری قمرها چون هلال
	(مولوی، ۱۳۷۳: ۹۹/۱ - ۳۰۹۲)

نیست‌وش باشد خیال اندر روان	تو جهانی بر خیالی بین روان
بر خیالی صلحشان و جنگشان	وز خیالی نامشان و ننگشان
آن خیالاتی که دام اولیاست	عکس مه‌رویان بستان خداست...
	(همان: ۴۱۳/۱ - ۴۲۸)

در دیوان کبیر نیز مولوی عالم خیال خود را چنین وصف می‌کند:

نی خیالی، نی پری، نی بشری	نه زمین و نه فلک می‌سپری
	(مولوی، ۱۳۷۸: ۳۱۰۷۳)

• در فیه مافیه طرح کلی ایده‌ها و اندیشه‌های عرفانی مولانا گاه در کوتاه‌ترین و گاهی در طولانی‌ترین جملات بیان شده‌است. آگاهی از طرح کلی گفتارهای او رابطه متنی و معنایی جملات به‌ظاهر گسسته را آشکار می‌کند و موجب انسجام و تسهیل فهم متن می‌گردد. از آنجاکه پاراگراف‌بندی اصولی در حین تصحیح متون کهن «از نظر درک مفهوم و نیز به جهت روان‌شناسی مطالعه نقشی درخور دارد» (مایله‌روی، ۱۳۶۹: ۷۷-۲۷۴)، طرح کلی گفتارهای مولانا را با تفکیک دقیق آنها به پاراگراف‌های موضوعی می‌توان مشخص کرد. البته باید اذعان داشت که اصل پاراگراف‌بندی به‌طور اصولی از سوی مصحح رعایت شده‌است، لیکن چند مورد بسیار اندک و جزئی از نظر تیز و محققانه ایشان دور مانده‌است. مثلاً در صفحه ۸ سطر ۱۵ جمله «حیف است به دریا رسیدن و از دریا به آبی قانع شدن...» را باید از بند یا پاراگرافی مجزا آغاز کرد، چون مولانا در این بند از موضوع

و مطلبی جدید سخن می‌گوید. همچنین در صفحه ۲۳، پاراگراف سوم، باید به پاراگراف دوم متصل شود تا ربط مطلب آشکار گردد. در صفحه ۴۱ مولانا درباب مفهوم حقیقی «انا الحق» سخن گفته و برای اثبات موضوع تمثیل واضحی را ذکر کرده‌است، به نظر می‌رسد این تمثیل باید بلافاصله بعد از موضوع اصلی آورده شود تا نتیجه سخن برای مخاطب تبیین شود. به عبارت دیگر، اگر به رابطه معنایی سه پاراگراف در صفحه دقت شود، این تمثیل باید متصل به پاراگراف اول آورده شود و بعد از آن موضوع «استغراق» که موضوعی جداست، ذکر گردد.

• همچنین مولانا حجم کثیری از اطلاعات دینی، عرفانی، فقهی، فلسفی و کلامی را به حالت محاوره‌ای بیان کرده و این امر موجب شده‌است که گاه پاره‌ای از جمله‌های فیه مافیه دشوار خوان باشد و ربط مطلب گم گردد. به نظر می‌رسد اگر علایم سجاوندی و نقطه‌گذاری بدون افراط در کاربرد این علایم- و قطعه‌بندی متن با توجه به این ویژگی کلامی مولانا صورت گیرد و از روی قاعده باشد، موجب تسهیل در خوانش و فهم دقیق متن خواهد شد و مواضع دشوار و معضل آن حل خواهد گشت.

##### ۵- نتیجه‌گیری

با این که تصحیح فروزانفر از فیه مافیه مولوی هنوز هم اولویت علمی و انتقادی خود را در محافل علمی حفظ کرده و یکی از چاپ‌های بسیار معتبر است، لیکن به سبب کمبود پاره‌ای از ویژگی‌های نسخه‌شناختی و ویرایشی نیاز به بازبینی و تصحیح مجدد دارد. بنابراین، شایسته می‌نماید که چاپ دوباره کتاب فیه مافیه برپایه نسخه شماره ۲۷۶۰ کتابخانه فاتح صورت گیرد و از دیگر نسخه‌هایی که فروزانفر آنها را ندیده‌است، به خصوص نسخه‌های ۲۱۱۱ و ۷۹، جهت رفع نقایص و مشکلات نسخه کهن فیه مافیه استفاده شود. اگر از فیه مافیه چاپی فراهم گردد که شامل تمام روایات نزدیک به تقریرات خود مولانا باشد، یک گنجینه بسیار غنی و پرشور عرفانی را در کنار دیگر آثار برجسته مولانا خواهیم داشت. باید اذعان داشت که کتاب فیه مافیه به تصحیح دکتر توفیق سبحانی از تصحیحات و ویرایش‌های خوب و علمی است که بعد از چاپ فروزانفر انجام یافته‌است. توجه به مباحث نسخه‌شناسی، توجه به نسخه بدل‌ها و ضبط آنها،

تبیین موضوعات و مباحث اساسی هر فصل و رعایت پاره‌ای نکات جزئی دیگر، بر ارزش علمی این تصحیح خواهد افزود.

### پی‌نوشت

۱- شمس تبریزی در ۲۶ جمادی‌الثانی ۶۴۲ به قونیه آمد و تا ۲۱ شوال ۶۴۳ در آنجا بود و سرانجام به سال ۶۴۵ برای همیشه ناپدید شد (افلاکی، ۱۳۶۲: ۳۰/۲-۶۲۹). مولانا در فیه مافیہ از شمس‌الدین تبریزی پنج بار به‌صراحت مولوی (۱۳۵۸: ۸۳، ۸۸، ۸۹، ۹۲ و ۱۷۶) و هربار با عبارت دعایی «قدس الله سرّه» یاد کرده‌است که خود حاکی از فقدان شمس است. مولانا گاهی در مجالس خود به یاد ایام گذشته اقوال و حکایاتی از شمس نقل می‌کند، تا خود و اطرافیانش از گفتارهای شمس ذوق یابند. چنان‌که در یکی از فصول فیه مافیہ، هنگامی که برای مشتاقان و مخاطبان خود از گفتارهای پرذوق و شورانگیز شمس سخن می‌گوید، سخن را در اثنای کلام به رابطه‌ی عاشق و معشوق و مرید و مراد معطوف می‌دارد تا هم حق هم‌صحبتی با شمس را ادا کند و هم عشق شورانگیز شمس که موجب التذاد روحی اوست، بازگو گردد (همان: ۸۹).

۲- استاد فروزانفر شروع سرایش دفتر اول مثنوی را بین سال‌های ۶۶۰-۶۵۷ می‌داند (فروزانفر: ۱۳۸۲: ۱۵۷). استاد گولپینارلی نیز بر آن است که مولانا دفتر اول مثنوی را پیش از سال ۶۵۶ به انجام رسانده‌است (گولپینارلی: ۱۳۷۵: ۲۱۴). به گفته‌ی گولپینارلی مولانا در برخی از فصل‌های فیه مافیہ، معین‌الدین پروانه را که علیه مصریان و شامیان با مغولان متحد شده بود، نکوهش می‌کند. رابطه‌ی معین‌الدین با بایبارس، پادشاه شام، حدود سال ۶۷۰ بوده‌است و بایبارس به سال ۶۷۶ به آناتولی می‌آید. گفتارهای مولانا خطاب به معین‌الدین احتمالاً پیش یا پس از سیاست دوگانه‌ای است که معین‌الدین اتخاذ کرد و به بهای جانش تمام شد. بنابراین، می‌توان گفت که این مطالب مربوط به سال‌های پایانی حیات مولاناست (گولپینارلی، ۱۹۵۹: ۷۱). این واقعه را محمودبن محمد آقسرایلی در تاریخ سلاجقه یا مسامره الاخبار و مسایره الاخبار، به تفصیل ذکر کرده و وفات مولانا را نیز قبل از آن واقعه بیان داشته است (آقسرایلی، ۱۳۶۲: ۱۱۹-۱۱۳).

۳- شایان ذکر است که سبحانی در مطالعات نسخه‌شناسی خود از وجود دو نسخه از کتاب فیه مافیہ در کتابخانه‌ی افیون قره‌حصار ترکیه خبر می‌دهد که در فهرست‌ها نامی از آنها نیامده‌است (سبحانی، ۱۳۷۳: ۴۷۱-۴۷۰).

۴- نسخه ۲۷۶۰ فاتح استانبول فصول عربی فیه مافیہ را ندارد و در فصل ۴۵ ناگهان بدون اینکه گفتار مولانا به انجام برسد، مطلب قطع شده و با چینن انجامه‌ای خاتمه یافته‌است:

تم الكتاب و الحمد لله وحده و صلى الله على سيدنا محمد و اله و كتبه العبد الضعيف المحتاج الى رحمه الله تعالى حسن بن الشريف ابوالقاسم محمد بن الحسن السمرقندي الحنفى الهمامى المولوى بتاريخ فى غرة ذى الحجة سنة ۷۱۶.

با مرور اجمالی بر نسخه‌های شناخته‌شده فیه مافیہ به نظر می‌رسد نسخه ۲۷۶۰ از لحاظ کتابت کهن‌ترین نسخه موجود فیه مافیہ است. این نسخه با اینکه روایت ناقص و کوتاه و نامنقح دارد، گویا کهن‌ترین نسخه‌ای است که به واسطه مشتاقان مولوی فراهم شده، اما برای اصلاح و ویرایش، به سلطان ولد و حسام‌الدین چلبی که حفظ آثار مولانا را بر عهده داشتند، عرض داده نشده‌است، به همین سبب در برخی موارد ضبط‌های ضعیف و نامشهور و احیاناً غلط بدان راه یافته‌است.

۵- مطابق حواشی مجموعه شماره ۷۹ که به سال ۷۴۴ کتابت شده‌است و در موزه قونیه نگهداری می‌شود، فیه مافیہ در ورق‌های ۱۸ب تا ۶۲آ مندرج است. کاتب نسخه می‌نویسد که مطالب فیه مافیہ را از روی بخش‌هایی که مولانا به خط خود نوشته بود، کتابت کرده‌است. عین نوشته کاتب در انجامه نسخه چنین است: «از حواشی آن کتب که به دست خط مبارک خداوندگار بود قدس الله سره العزیز نقل افتاد» (گولپینارلی، همان).

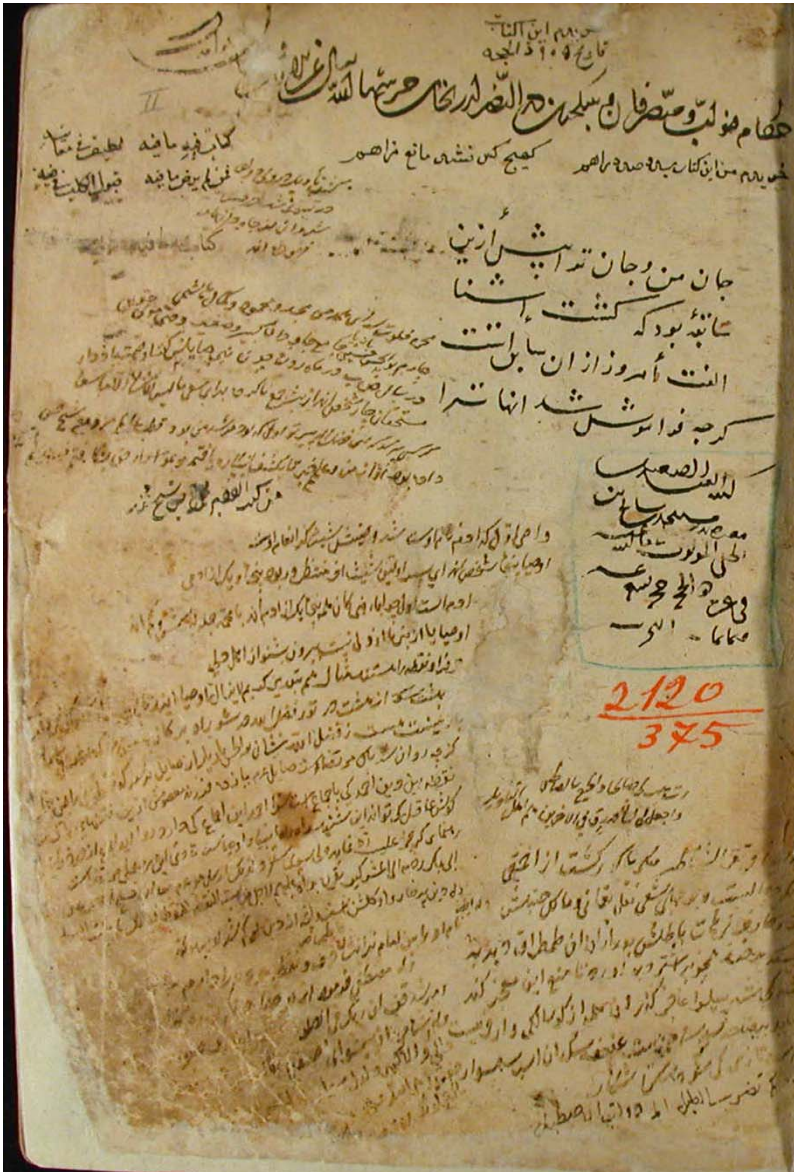
۶- سخنان کاتب نسخه در باب این حواشی منسوب به مولانا، گفته احمد افلاکی را درباره توجه مولانا به حقایق التفسیر تأیید می‌کند. حقایق التفسیر مجموعه بزرگی است از تفاسیر چند عارف معروف نظیر سهل تستری، منصور حلاج، ابن عطاء، ابوبکر واسطی و غیره که ابو عبدالرحمن سلمی (وفات: ۴۱۲)، عارف نامدار زمان خود، آنها را در تلفیق با اندیشه‌های روشن‌گرانه‌اش در این مجموعه گردآوری کرده‌است. تقریباً نام بیش از صد عارف به همراه تفسیرشان در حقایق التفسیر ذکر شده‌است. افلاکی در مناقب العارفین حکایتی از مولوی نقل کرده که در آن کمال توجه و علاقه مولوی به حقایق التفسیر به عیان مشهود است (در باب کتاب حقایق التفسیر و بهره‌جویی مولانا از آن نک. زهت، ۱۳۸۸: ۵۶-۵۵).

۷- شاید این موضوع به سبب انتقال کتبی- شفاهی سخنان مولانا در مجالس عرفانی پیش آمده‌است، چنان‌که این موضوع در مورد مقالات شمس نیز صادق است و آمیختگی عجیب و بسیار واضح گفتارهای شمس با گفتارهای برهان‌الدین محقق

ترمذی- مرشد روحانی و معنوی مولانا- مؤید این نکته تواند بود. سخنان ناب و درخشان شمس - که در تصحیح علمی و انتقادی استاد محمدعلی موحد به‌طور قطع از آن شمس تبریزی است- می‌توان معارف برهان‌الدین، به عیان مشاهده کرد (نک. محقق ترمذی، ۱۳۷۷: ۶۴-۶۰).



تصویر شماره ۱



تصویر شماره ۲

## منابع

- آفسرای، محمودین محمد (۱۳۶۲)، *تاریخ سلاحه یا مسامره الاخبار و مسایره الاخیار*، به اهتمام و تصحیح دکتر عثمان توران، تهران: اساطیر.
- ابن منظور (۱۴۰۸)، *لسان العرب*، المجلد التاسع، الطبعه الاولى نسقه و علق عليه و وضع فهارسه على شیری، لبنان - بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- افشار، ایرج (۱۳۸۱)، «مقام انجامه در نسخه»، *نامه بهارستان*، سال سوم، شماره ۱، صص ۱۰۰-۳۹.
- افلاکی، شمس‌الدین (۱۳۶۲)، *مناقب‌العارفین*، به کوشش تحسین یازیجی، تهران: دنیای کتاب.
- تبریزی، شمس‌الدین محمد (۱۳۶۹)، *مقالات*، تصحیح و تعلیق محمدعلی موحد، تهران: خوارزمی.
- سبحانی، توفیق (۱۳۷۳)، *فهرست نسخه‌های خطی فارسی کتابخانه‌های ترکیه*، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- سلمی، الامام ابی‌عبدالرحمن (۲۰۰۱)، *تفسیر السلمی و هو حقایق التفسیر*، تحقیق سید عمران، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- صدیق بهزادی، ماندانا (۱۳۸۰)، *کتاب‌شناسی مولوی*، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- فروزانفر، بدیع‌الزمان (۱۳۸۲)، *زندگی مولانا جلال‌الدین محمد بلخی*، تهران: زوار.
- گولپینارلی، عبدالباقی (۱۳۷۵)، *مولانا جلال‌الدین: زندگانی، فلسفه، آثار، ترجمه و توضیحات* توفیق سبحانی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- مایل هروی، نجیب (۱۳۶۹)، *نقد و تصحیح متون، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی*.
- محقق ترمذی، برهان‌الدین (۱۳۷۷)، *معارف، تصحیحات و حواشی بدیع‌الزمان فروزانفر*، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- مولوی، جلال‌الدین (۱۳۵۸)، *فیه مافیه*، تصحیح و حواشی بدیع‌الزمان فروزانفر، تهران: امیرکبیر.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۳)، *مثنوی معنوی*، به کوشش توفیق سبحانی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۸)، *کلیات شمس تبریزی، تصحیح و حواشی بدیع‌الزمان فروزانفر*، تهران: امیرکبیر.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۸)، *فیه مافیه و پیوست‌های نویافته*، تصحیح و توضیح دکتر توفیق ه سبحانی، تهران: شرکت مطالعات و نشر کتاب پارسه.
- \_\_\_\_\_ (بی‌تا)، *فیه مافیه (نسخه خطی)*، کتابخانه تخصصی موزه قونیه، شماره ۲۱۱۱.





نزہت، بہمن (۱۳۸۸)، «نگاهی نو بہ شخصیت تاریخی و معارف عرفانی مولانا جلال الدین بلخی»، نشر دانش، سال بیست و سوم، شماره ۱، صص ۴۸-۵۷.

Gölpınarlı, Abdülbaki, (1959), *Fîhi Mâ-Fîh*, Istanbul: Remzi kitabevi önsöz.